

عنوان مقاله:

درآمدی بر باستان شناسی و سیاست

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات باستان شناسی، دوره 3، شماره 1 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسنده:

بهرام آجرلو - استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

خلاصه مقاله:

از همان آغاز، باستان شناسی برای سیاستمداران کاربرد سیاسی داشته است. سیاستمداران، باستان شناسی را برای تخریب و یا خلق تاریخ و هویت های کاذب ملی و قومی به کار گرفته اند؛ و یا اینکه تلاش کرده اند به یاری باستان شناسی و با بسترسازی های فرهنگی، پدیده های اجتماعی- سیاسی جامعه را کنترل و هدایت کنند؛ همچنین نقش مهم باستان شناسی در گسترش توریسم فرهنگی و منافع اقتصادی آن از نظر سیاستمداران دور نمانده است. باستان شناسی را می توان در پشت پدیده های سیاسی ناسیونالیسم، قوم گرایی، تجزیه طلبی، انترناسیونالیسم و یا فدرالیسم مشاهده کرد و هم اینکه باستان شناسی، مدارک تاریخی مورد نیاز سیاستمداران را برای اثبات حقانیت ایده های سیاسی ایشان فراهم می کند. باستان شناسی و سیاست در تعامل با یکدیگرند. باستان شناسی مارکسیست با یک انقلاب قهرآلود ایدئولوژیکی شکل گرفت و به مدت هفتاد سال، بخشی از پیکر؟ ایدئولوژی سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باقی ماند. باستان شناسی های ناسیونالیست و نژادپرست در خدمت حکومت های تمامیت خواه قرار گرفتند تا جامعه مشروعیت تاریخی آنها را ببیزد؛ در فلسطین اشغالی نیز صهیونیسم به وسیله؟ باستان شناسی کوشیده است به آرمان شهر اسرائیل باستان تجسم تاریخی بخشد؛ و یا اتحادی؟ اروپا بدین شیوه در تلاش است که واگرایی تاریخی ملل اروپایی را به هم گرایی قرن بیست و یکم متحول کند. هرچند که باستان شناسی را از سیاست، گریزی نیست اما به نظر می رسد که تنها راه حل مسئله، ترسیم چشم انداز جهانی باستان شناسی در چهارچوب میراث مشترک جهانی و نیز توسعه؟ رهیافت انسان شناختی در باستان شناسی است.

کلمات کلیدی:

اتحادیه اروپا، باستان شناسی، صهیونیسم، مارکسیسم، ناسیونالیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1349243>

